

شبکه ارتباطی زنان بستری برای نشاط و سرزندگی

21 شهریور 1401

گره‌ها (نودها) بی که زنان در عرصه شبکه‌سازی در اختیار دارند قادر است بستری برای تغییر و روند نشاط‌آفرینی و بهبود را به عرصه‌های عمومی وارد کند. زنان به دلیل برخورداری از روحیه ارتباطی و تعامل با انسان‌های دیگر به خصوص هم‌جنسان خود و کودکان قادرند بستری از ارتباط را بر پایه نوع دوستی و تفاهم برقرار کنند. این ویژگی به دلیل ساختار روحی و فیزیولوژیکی آنها قوایی است که آنها را در ایجاد و تداوم شبکه ارتباطی تقویت می‌کند.

این مهم در شکل‌گیری شبکه‌های ارتباطی زنان در میان خانواده، در محلات و حتی در سطوح اداری نیز قابل مشاهده است؛ شبکه‌های زنان فضای لازم را برای اعضا فراهم می‌کند تا با ارتباط‌گیری نسبت به همراهی در حل مسائل و مشکلات از یک سو و همکاری و همدلی از سوی دیگر فرصت‌های تازه‌ای را ایجاد کنند. نگاهی به سابقه این شبکه‌های ارتباطی در محلات قابل تامل است، پیش از این زنان در تهیه نذری و جهیزیه و سیسمونی و امور خیریه در قالب شبکه‌های درونی خود خدمات چشمگیری را به جامعه پیرامونی ارایه می‌کردند. آنان همچنین در گذشته در قالب همین شبکه‌ها نسبت به همراهی برای حل و فصل برخی مشکلات و مسائل نیز همدیگر را یاری می‌دادند این قابلیت برای زنان امروزه به دلیل گسترش شهرنشینی و کمرنگ شدن هویت محلات و افزایش جمعیت به نوعی کمتر مورد توجه قرار گرفته است اما کانونی دیگر این پتانسیل را گسترش داده است.



شبکه‌های اجتماعی در فضای مجازی که امروزه به عنوان یک ابزار و یک فرصت برای شبکه‌سازی زنان مورد استفاده بسیاری از آنان قرار گرفته شاید کارکرد شبکه‌سازی‌های گذشته زنان را فعال کرده است.

براساس برخی آمارها در موسسه تحقیقاتی (1) Pew research centre با اینکه استفاده زنان از [شبکه‌های اجتماعی](#) و گشت و گذار در فضای مجازی اندکی بیشتر از مردان است اما نکته جالب توجه اینجاست که به جای ساعات و میزان مصرف، هدف استفاده آنها از اینترنت و شبکه‌های اجتماعی متفاوت است. این بدان معناست که زنان از پلتفرم‌های شبکه‌های اجتماعی و اپلیکیشن‌های پیام‌رسان بیشتر به منظور برقراری تماس و ارتباط با دوستان، آشنایان و اعضای خانواده خود استفاده می‌کنند. براساس نتایج و یافته‌های تحقیقات صورت گرفته، زنان به میزان ۷۶ درصد از شبکه‌های اجتماعی و مردان اندکی کمتر، به میزان ۷۲ درصد از پلتفرم‌های مختلف اینترنتی استفاده می‌کنند. این مهم به این معناست که شبکه‌های اجتماعی فرصت ارتباط‌گیری زنان را بیشتر کرده‌اند و امکان شبکه‌سازی آنان بیشتر شده است و این مهم بستری برای شهر است تا از این ظرفیت برای رونق نشاط و مشارکت و تعامل در شهر برمبنای ارتباط‌گیری مبتنی بر نوع نگاه زنان به شبکه‌ها و ارتباطات فراهم کند.

در تحقیقی در ایران صاحب‌نظران معتقدند شبکه‌های اجتماعی که شبکه‌سازی و سهولت در تبادل اطلاعات را تسریع می‌بخشند، پیامدهای قابل توجهی برای توانمند شدن زنان از جمله امکان خوداشتغالی، جسارت در اظهار خود، به اشتراک‌گذاری دانش و مهارت، افزایش خودآگاهی جنسیتی و روحیه مطالبه‌گری، بازنندیشی در هویت زنانه و... را نیز به همراه دارند (2). این مهم به این معناست که زنان همچنان نه تنها قادرند در گسترش شبکه ارتباطی برای خود بستری برای ارتقا و اثربخشی فراهم کنند بلکه قادرند با این شبکه‌های ارتباطی فضای ارتباطی شهر را نیز تقویت کنند!

شهر نیازمند گسترش تعامل و توسعه شبکه‌های ارتباطی برای حفظ انسجام و همبستگی و تقویت سرمایه اجتماعی است و زنان با توجه به مهارت شبکه‌سازی در ساختار محلات و گسترش آن در بستر فضای مجازی می‌توانند نگاهی دیگر را به شهر هدایت کنند که فارغ از نگاه‌های معمول به شهرها که برمبنای منافع، کنترل، امنیت، ترافیک و آلودگی هوا و... و مجموعه‌ای از عناصر که جدایی را بیشتر از همگرایی‌ها تولید می‌کند، باشند!

زنان در شهرهای بزرگ به عنوان نیمی از جمعیت دغدغه‌هایی از جنس ارزش‌های انسانی را به دلیل حساسیت‌های مادری و حس نودوستی می‌توانند در جایگزینی ارزش‌های اخلاق‌مدار و انسان‌مدارانه فعالانه ورود کنند! آنان با درک شرایط سخت به دنبال راهکارهایی برای حل مسائل هستند و چون مهارت شبکه‌سازی دارند، می‌توانند از ظرفیت دیگر زنان بهره بگیرند. نگاهی به موسسات خیریه و حضور موثر [زنان](#) در آنها و تشکلهای غیردولتی زنان در همین عرصه می‌تواند ظرفیت‌های اجتماعی و حل مساله آنان را برای مسائل شهری به خصوص در حوزه اجتماعی تعریف کند.

از این رو به نظر می‌رسد از آنجا که کارکرد شبکه بسیار جذاب و سریع است، کافی است که تولیدکننده پیامی در آن باشید، پیامی از جنس کمک یا حمایت یا رفع مساله آنگاه شبکه خود تولیدکننده پیام است و شبکه کارکرد خود را اعمال می‌کند. شهرها نیازمند همگرایی هستند تا برجا بمانند و این مختص به شهرهای بزرگ نیست، همه شهرها این نیاز را دارند و زنان می‌توانند با استفاده از شبکه ارتباطی روح نشاط و سرزندگی را به آن برسانند. این مهم نیازمند تدارک سازمان و سیستم اجرایی است و این مهیا نمی‌شود مگر بر باورپذیری به نقش شهروند و حق او بر شهر از سوی شهروندان و مدیریت شهری به صورت مشترک!

برای همین امر شهرداری‌ها می‌توانند با واگذاری بخشی از امور فرهنگی-اجتماعی و محیط‌زیستی شهر در قالب محلات و نواحی شهری به این شبکه‌ها فرصت بهره‌گیری از ظرفیت کلان آنان برای حمایت از انسجام شهری را مشاهده کنند. تسهیلمان شهری در این مهم در قالب انجمن‌های غیردولتی و دفاتر

توسعه بستري مطلوب براي فعال سازي آنهاست! اعتماد كنيم و شهر را پرنشاط بسازيم!

****زهرآ نژاد بهرام**

<https://www.isna.ir/news/> -1

2- <http://ensani.ir/fa/article/435898>